

دیوانہٴ مکتبِ جامِ دیدارِ علی (ع)
یک شمعِ نیافتہ ز اسرارِ علی (ع)

من از دو جهان، عاشقِ افسارِ علی (ع)
هر چند کہ نامِ بندہ کاشف باشد

کاشفِ اسرار

زندگانی، شخصیت و آثارِ سیدِ عبدالدین کاشف دزفولی

احمد لطیف پور



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: لطیف پور، احمد، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدید آور: کاشف اسرار:

زندگانی، شخصیت و آثار سیدصدرالدین کاشف دزفولی / احمد لطیف پور.

مشخصات نشر: دزفول: اقلیم قلم ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۲۱۰ ص.؛ مصور. (بخشی رنگی)، جدول (رنگی)

شابک: 978 - 600 - 90504 - 7-5

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۰۸ و ۲۰۹

عنوان دیگر: زندگانی، شخصیت و آثار سیدصدرالدین کاشف دزفولی.

موضوع: کاشف دزفولی، محمدباقر بن مهدی، ۱۱۷۴ - ۱۲۵۸ ق. - نقد و تفسیر

موضوع: عرفان - ایران - دزفول - سرگذشتنامه

موضوع: Mystics - Iran - Dazful - Biography

رده بندی کنگره: ۳۹۶ - ۲ - ۵ - ۷ - ۱۵ - ۲۸۰ BP

رده بندی دیویی: ۱۹۷/۸۹۲۴

شماره کتابخانه ملی: ۴۶۸۵۵۷۱



انتشارات: اقلیم قلم

نشانی الکترونیکی: enail:eqlime_qalam@yahoo.com

کاشف اسرار

(زندگانی، شخصیت و آثار سیدصدرالدین کاشف دزفولی)

مؤلف: احمد لطیف پور

چاپ اول: ۱۳۹۶ در تیراژ ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: پانزده هزار تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۰۵۰۴ - ۷ - ۵

(حق چاپ محفوظ)

عنوان

صفحه

فهرست.....	۵
اشاره: پیش درآمد و درآمد.....	۸
تقریظ استاد دکتر محمد رضا سنگری.....	۱۵
گفتار مؤلف.....	۱۸
فصل اول: زندگانی و شخصیت کاشف دزفولی.....	۱۳
نسب مرحوم سید صدرالدین کاشف دزفولی.....	۲۳
زیارتنامه مرحوم سید ولی الدین! جد اعلای سادات گوشه در دزفول.....	۲۵
مرحوم بیدوا، الدین: جد اعلای سادات گوشه همعصر سلطان محمد خدابنده پادشاه صفوی.....	۲۶
سرسلسل سادات گوشه و وجه تسمیه و شجره نامه این خاندان بزرگ.....	۲۷
تولد و دوران کودکی و تحصیلات کاشف.....	۲۸
کَهِف [غار] سه در.....	۳۲
روایت مرحوم کمالی از عادتگی کاشف دزفولی.....	۳۳
عبادات مرحوم کاشف.....	۳۵
آشنایی با آقا محمد بیدآبادی اصفهانی.....	۳۶
نامه کاشف به استاد خود: بیدآبادی.....	۳۶
نامه دیگری از کاشف به مرحوم بیدآبادی.....	۳۹
پیوند شریعت و طریقت.....	۴۳
نامه حاج شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی به یکی از عرفای دزفول.....	۴۵
مشایخ، دست پروردگان و عرفای بزرگ همعصر مرحوم کاشف.....	۴۸
دارالعباده شوشتر و دارالمؤمنین دزفول: خاستگاه عرفاء و فقهای بزرگ.....	۵۵
ملاقات آقا سیدعلی شوشتری با ملا قلی جولا.....	۵۵
ملاقات تاجر تبریزی و ملا محمدعلی جولای دزفولی.....	۵۷
آثار و تألیفات مرحوم کاشف دزفولی.....	۶۰
تألیفات مرحوم کاشف به روایت محمود میرزا: شاهزاده قاجار.....	۷۰
آخرین اثر مرحوم کاشف.....	۷۲
دامنه پراکندگی کتب مرحوم کاشف دزفولی.....	۷۴
کتابخانه مرحوم کاشف در دزفول.....	۷۷
توضیحی در باره شرح یک حدیث.....	۷۸

- شعر و شاعری از منظر مرحوم کاشف ۸۳
- شهرت سیدصدرالدین کاشف در زمان حیاتش ۸۵
- چگونگی عزیمت مرحوم کاشف به کرمانشاه ۸۷
- پاسخ کاشف به اتهامات معارضین خود ۸۹
- دیدار کاشف با فتحعلی شاه ۹۲
- بی اعتنائی کاشف به دربار قاجار ۹۴
- مکتوب کاشف به حکمران خوزستان ۹۵
- دیدار شاهزاده بهرام میرزا با کاشف ۹۷
- روایتی از اسلا آوردن حکمران ارمنی دزفول به دست کاشف ۹۸
- مکاتیب کاشف و اهمیت آن ها در میان مردم و حکام وقت ۹۹
- نامه ای به شهزاده شیخ علی میرزا؛ حکمران ملایر و نویسندگان ۱۰۰
- نامه کاشف به شاهزاده بهمن میرزا قاجار ۱۰۱
- کاشف و بیگنریگی شورش ۱۰۴
- دفاع از مظلومان و مستمندان ۱۱۲
- نامه های کاشف و کاتب ایشان ۱۱۴
- قلم شگفت کاشف ۱۱۵
- عارف؛ کاتب کاشف ۱۱۶
- برخی از کرامات کاشف ۱۱۸
- دعای کاشف در حق شیخ اعظم؛ انصاری دزفولی ۱۲۲
- مرحوم کاشف از دید نویسنده یُستان السیاحه ۱۲۳
- کتاب شفاء الصدور/ کاشف از دیدگاه حاج سیدمحمدرضا و حاج سید سیر ۱۲۴
- تعبیر محمود میرزا قاجار از کاشف ۱۲۵
- رهاورد مرحوم دکتر سیدموسی گوشه گیر از دوران تبعید ۱۲۷
- قطعه شاعرانه مرحوم سپهر در وصف کاشف ۱۲۸
- مرثیه کاشف در سوگ عمومی خود؛ مرحوم داعی دزفولی ۱۳۰
- ابوالزوجه [پدر همسر] و مدافع ذوالقنون مرحوم کاشف ۱۳۱
- دفاع داعی از داماد خود؛ کاشف دزفولی ۱۳۳
- کاشف و علوم غریبه ۱۳۷
- استادی ذوالقنون ۱۳۹
- همزاد ۱۳۹

۱۴۱	فرزند معنوی مرحوم کاشف دزفولی
۱۵۱	سفارش کاشف به خواهر زاده اش
۱۵۲	مسافرت های کاشف
۱۵۵	وقوع زمین لرزه بزرگ در دزفول
۱۵۶	ازدواج، پیری و ارتحال مرحوم کاشف
۱۵۷	سرانجام کاشف

۱۶۰	فصل دوم: نمونه هایی از آثار مرحوم کاشف (نظم و نثر)
۱۶۱	اشعار: از مرحوم کاشف در اوزان و قالب های مختلف شعری
۱۶۹	حقیقت وجودی کاشف
۱۷۰	بیان خاموشی از طر کاشف در فضیلت خاموشی
۱۷۴	دیدگاه ها و توصیه های مرحوم کاشف در خصوص چله نشینی
۱۷۶	راز عدد چهل [اربعین] از نظر کاشف
۱۷۸	دیباچه مصباح العارفين
۱۸۰	آفات زبان از دید مرحوم کاشف
۱۸۱	بیان توکل و حال متوکل از دیدگاه کاشف
۱۸۲	بخشی از دیباچه دیوان قدیم/ بخشی از دیباچه مرآت الصفا
۱۸۳	بخشی از حق الحقیقه
۱۸۴	مجدوب آفتاب قدس/ انبیاء مظاهر اسماء الله
۱۸۶	دیباچه مرآت الغیب
۱۹۴	صدق و مراتب آن از منظر مرحوم کاشف/ رساله معراج المؤمنین
۲۰۱	غرض از خلقت عالم، مقصود از ایجاد موجودات و غرض از ارسال رسل
۲۰۴	درد اشتیاق؛ قطعه ای در فراق یک دوست
۲۰۵	اشعار دیگری در قالب قطعه، رباعی، غزل و قصیده از مرحوم کاشف
۲۰۷	گلچینی از ابیات کاشف به انتخاب محمود میرزا قاجار
۲۰۹	منابع و مأخذ
۲۱۱	زندگینامه مؤلف کتاب

باسمه تعالی

اشاره:

چندی پیش و در آخرین ویرایش کتابی که واژه واژه آن به آرامی از پیش چشم خواننده ارجمند می‌گذرد، با مشاهده و مطالعه مطلبی در سایت اینترنتی آقای دکتر علیرضا صدرا در باره پشوانه مذهب انقلابی و مبتنی بر ولایت ناب شیعی در دزفول و پیشینه فرهنگ و تاریخی این دیار، حول و حوش دفاع از رساله یکی از دانشجویان دوره دکتری به نگارش در آمده بود، دیدگاه و منظر تازه ای در مقابل چشمم گشوده شد و دریغ آمد از این منظر که به قلم دو تن از استادان بزرگ فلسفه کشور و از مفاخر دارالمؤمنین - دزفول -، حجت الاسلام و المسلمین دکتر خسروپناه ریاست محترم انجمن حکمت و فلسفه و امام جمعه موقت دزفول، همچنین دکتر علیرضا صدرا؛ دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و نماینده سابق مردم دزفول در مجلس شورای اسلامی به نگارش در آمده چشم پوشی ننمایم و لذا به عنایت حسن مطلبی بر آغازین صفحات کتاب حاضر، به درج عین آن مطلب اقدام نمودم... - مؤلف کتاب: لطیف پور

پیش درآمد و درآمدی از پشوانه مذهب ولایی و انقلابی ناب شیعی در دزفول

*پیش درآمد

بازکاوی علمی جریان اندیشگی، فرهنگی و تاریخی و پیشینه و پشوانه مکتب متعالی اسلامی و مذهب ولایی و امامی ناب انقلابی شیعی دزفول و دزفولیان و رمز بویایی و پایداری دینی - مدنی آن ها طی قرون متعادی تا کنون محل تأمل بوده و نیازمند پژوهش اعم از مطالعات پیمایشی و تحقیقات مبنایی و محتوایی است. این خطه حاصلخیز فکر و فرهنگ خود و یا به همت ابرفرزندان در سرتاسر ایران و جهان اسلام یکی از کانون های تولید و تحرک حکمی - عرفانی سیاسی متعالی ناب انقلابی ولایی و امامی شیعی بوده و همواره از پیش درآمدان آن به شمار رفته است. بویژه و

حداقل از جریان بیداری - خیزش اسلامی پیش از سیدجمال الدین اسدآبادی و با پرچمداری او (در مقام شاگردی و نمایندگی شخصی شیخ انصاری و با بردن نامه های همو) در طی یکی - دو قرن اخیر؛ یعنی پیش از آغاز و در سرتاسر نهضت ضد استبدادی و عدالتخواهانه مردمی عظیم مشروطیت اسلامی، نهضت ضد استعماری و استقلال طلبانه ملی مشهور به نفت و تا انقلاب بی بدیل ضد استبدادی و ضد استکباری اسلامی ایران با پیشسازی روحانیت معزز و در رأس آن مراجع عالیقدر انقلابی بعه و بویژه راهبری مهدوی حضرت امام خمینی (ره). همین طور تا تأسیس نظام سیاسی بدیع جمهوری اسلامی و خصوصاً مقاومت و دفاع مقدس تا دوران سازندگی زیربنایی، آن هم به عنوان یک شهر و شهرستان عادی؛ بلکه به عنوان یک مادر شهر و حتی این شهر که به تعبیر امام راحل (ره) دین خود را به اسلام ادا کرده و به تأیید و تأکید دوست و دشمن، مظهر مقاومت اسلامی ملت انقلابی ایران شد. پس از دوران دفاع نیز همواره پیشانی سازندگی زیربنایی و امید و انتظار می رود در دوران توسعه متعالی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی نیز همچنان پیشاهنگ کارآمدی و توسعه ملی کشور اسلامیان باشد. کشوری که خود امید و الگوی بیداری - خیزش انقلابی اسلامی منطقه فوق العاده استراتژیک خاورمیانه بزرگ اسلامی بوده و خواهد بود. پیشینه مدنی و پشتوانه فکری و سیر سیاسی و ساختار فرهنگی و اجتماعی که هم اینک در گستره چشم انداز فرزانة توسعه برتر و متعالی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی جمهوری اسلامی در راستای چالش ارتقای کارآمدی؛ بهره وری و اثربخشی ملی؛ همچنان خاستگاه برشته جایگاهی تعیین کننده و نقشی پیشاز را داشته و امید و انتظار می رود داشته باشد.

*درآمد

اشاره ای به خاستگاه، جایگاه و نقش حکمی - عرفانی - فقهی شخصیت های شاخص؛ ولی چه بسا گمنام یا گمنام دزفول و دزفولی در سیر تاریخ و تحولات معاصر

ایران از صدرا و حکمت متعالی ضد اخباری او تا خاتم الفقهاء و رسایل و مکاسب او (چنان که مناهج الوصول الی علم الاصول امام، حتی انوارالهدایه فی التعقلیه علی الکفایه مرحوم آخوند خراسانی و تحریر الوسیله امام، به ترتیب متناظر آثار شیخ و ملهم از او در اصول و فقه بوده و ولایت فقیه او، شکل راهبردی و موسع ولایت فقیه و امورحسیه مکتب انصاری است). نیز در صدر مشروطیت و نهضت ضد استعماری فارس به رهبری آیت الله عظمی موسوی لاری دزفولی حتی در جریان نهضت استقلال طلبانه ملا نقت تا نهضت ۱۵ خرداد و تحقق انقلاب اسلامی به راهبری حضرت امام خمینی (ره) شامل فهرست مطولتی جامع از شخصیت های شاخصی همانند: کاشف دزفولی و ملا محمد رضا دزفولی و ملا محمدتقی دزفولی و همانند این ها تا شهید سبحانی و آیت الله سید ابوالدین قاضی [دزفولی] و سایر برجستگان و خاندان های مکرم است. برای نمونه؛ گیده از عرفان سیاسی و سیاست عرفانی از صدرالمتألهین تا امام خمینی (ره)، مربوط به رساله دوتری مهدی فدایی مهربانی، با راهنمایی اینجانب [منظور دکتر علیرضا صدرا] ارائه شده است. این رساله، دنباله رساله کارشناسی ارشد این دانشجوی فاضل بوده که در زمینه عرفان سیاسی عزالدین نسفی (چاپ نشر نی) با مشاورت بنده می باشد. در این رساله، با اشاره به پیش و سیر عرفان سیاسی عیناً آمده است. (از این رساله، چندی پیش دفاع شد. دکتر خسرو شاه ریاست محترم انجمن حکمت و فلسفه - که خود از فرهیختگان دزفولی کشور - نیز به عنوان استاد داور در پیش دفاع و دفاع رساله حضور داشته و بر مضامین بلند این رساله تأکید دارند).

*دکتر علیرضا صدرا

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

«(عرفان ناب شیعی) را در صراط الحق صدرالدین بن محمدباقر کاشف دزفولی (۱۲۸۵-۱۱۷۴ هجری قمری) نیز می بینیم (- رؤیت ما بر اساس نسخه موجود در کتابخانه [آیت الله] مرعشی است که به تاریخ ۱۲۸۴؛ یعنی یک سال پیش از فوت

[کاشف دزفولی] کتابت شده است. نسخه دیگری نیز در مجموعه دکتر اصغر مهدوی به شماره ۲۱۷/۲ نگهداری می شود. ([کاشف] دزفولی، معنای سعادت را در نظام معنایی عرفانی خویش باز می یابد؛ بنا بر این سعادت، بیشتر تابع مقام ترک و رضای سالک است. [کاشف] دزفولی نکته صوفیانه ای (سیر و سلوک عرفانی - زاهدانه توحیدی ضد صوفیگری و قلندر مآبی درویش نمایانه شرک آلود) را گوشزد می کند که غالب حکماء از آن غفلت کرده اند؛ در مقام رضا، تقید به خود سعادتمند شدن نیز، تقید به خود است و باید از آن رهید. پس « هر چه در بند آئی، بنده آئی و سالک مادام که در بند بود، سعادت و شقاوت خود است، آزاد نیست. » ([کاشف] دزفولی، نسخه خطی ۱۰۰۱۷/۳ مرعشی، ۱۲۰) [کاشف] دزفولی ریشه این خطا را در حُب دنیا می داند که « اعلی مرتبه شرک » است؛ زیرا سروری فقط از آن خداست و ریاست مخلوق باید تنها برای رضای خدا باشد. (هـ: ۱۳۳) نکته ظریف در نظام معنایی [کاشف] دزفولی اختصاص ریاست به خداست و به این ترتیب، می توان فهمید که سیاست در نظر عرفا چه تمایزی با ریاست دارد و باید حواشی چه مختصاتی باشد. اعتبار سیدصدرالدین کاشف دزفولی تا بدان پایه بوده که سید مرتضی انصاری پس از اتمام تحصیلات رسمی در دزفول، به عتبات عالیات رفته و از وی طلب دستورالعمل سلوک می کند و کاشف نیز وی را به سیدعلی شوشتری (از جانشینان سید کاشف) فرا می خواند. (دزفولی، ۱۳۳۵: ز- ح) شوشتری؛ کسی است که از عرفان اویسی (بدون سلسله عرفانی) بوده و معروف است « ولایت علویه مهدویه » باشد. (صدوقی سها، ۱۳۵۹: ۱۵۰) (شیخ انصاری فرای عرفان، اخلاق را نیز نزد نراقی، حکمت و تعالی را نزد حاجی ملا هادی سبزواری خوانده و گذرانده است و آنگاه در نفع به مرتبه خاتم الفقهاء و مرجعیت مطلقه و تامة شیعه در تمامی دوران غیبت از پیشا خود تا پسا خود و تا کنون رسیده اند - صدرا). افزون بر این، سلسله اساتید آیت الله امام خمینی از طریق آیت الله شاه آبادی، دارای نَحله ای حکمی تر نیز هست؛ آیت الله شاه آبادی، نزد میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و آقا میرزا هاشم اشکوری شاگردی کرده بود که از عرفای

بزرگ عصر و مدوّن هستی شناسی عرفانی بود و میرزا هاشم اشکوری نزد آقا محمدرضا قمشه ای تلمذ کرده بود که جمع میان عرفان و حکمت بود و از مهمترین آثار وی شرح بر تمهید القواعد ابن ترکه اصفهانی به شمار می رود (حضرت امام، تفسیر فصوص الحکم فارابی را که در حکمت و به تعبیر دکتر داوری تأسیس فلسفه و حکمت اسلامی بوده و حتی حکمت عرفانی و به تعبیر پرفسور هانری کرین فرانسوی حکمت سیاسی و در واقع حکمت راهبردی می باشد با استناد به کتاب مبسوط حکمت الهی حکم الهی قمشه ای آن را در مصباح الهدایه الی الخلافه و الهدایه خویش که بنیادین تبیین عقبه فکری و آغازگاه و نقطه و بلکه مرتبه و مرحله عزیمت و محوریت امام در نگاه، نظام نظری و نظریه نظام راهبردی و سیاسی انقلابی خویش بوده، بازتاب داده و در حقیقت بر آن به هم و حتی اثر پذیرفته است. اثری که مترجم محترم به سبب سابقه حضرت امام در شرح فصوص الحکم ابن عربی که عرفان حکمی است به اشتباه از وی دانسته است - صدر)، به این ترتیب سلسله تربیتی آیت الله خمینی شامل دو جریان بود که هر دو به واسطه آیت الله شاه آبادی به وی رسیده بود؛ جریان اصلی عرفان شیعی در ایران که به ملاحسینقل همدانی و از وی به سیدعلی شوشتری می رسد، و جریان فلسفی و حکمی مهمی که در ایران میرزا هاشم اشکوری به آقا محمدرضا قمشه ای می رسد. در فصل بعدی، به دو شخصیت برجسته در این جریان؛ یعنی آیت الله میرزا محمدعلی شاه آبادی و آیت الله سیدروح الله خمینی خواهیم پرداخت. در واقع با آقا محمد [بیدآبادی] شاهد ظهور رسمی گرایش عرفانی و حکمی در میان فقها و علما هستیم و از این جهت بیدآبادی به شخصیت تاثیرگذار در این دوره بدل می شود. این تأثیرگذاری از سوی دیگر خود را به لحاظ فلسفی نشان می دهد. او با تدریس آثار ملاصدرا در حوزه مکتب اصفهان، حکمت متعالیه را به حلقه درس حوزه علمیه آورد و از این طریق شاگردان متعددی را پروراند. از سوی دیگر با شخص او جریان متأخر عرفان شیعی را شاهدیم که به وساطت ملاعلی نوری به نسل متأخر عرفا و حکمای الهی ایران معاصر می رسد. برخی از شاگردان بیدآبادی نیز به

عتبات سفر کردند و در آنجا نسل جدیدی از بزرگترین فقه‌های عارف مشرب را پدید آوردند. به طور کلی از بیدآبادی به غیر از ملاعلی نوری، دو نحله دیگر را می توان برشمرد؛ یکی از طریق شاگردش صدرالدین کاشف دزفولی که بعدها در آن جریان، شاهد ظهور آقا سیدعلی شوشتری (استاد مرحوم ملا محمدکاظم خراسانی از اصولیان بنام و در عین حال شاگرد شیخ انصاری و طرفداران مشروطیت و همراه با آیت الله سیدعبدالله مازندرانی کتاب پرآوازه و پر اثر تنبیه الامة و تنزیه الملکه علامه آیت الله میرزا محمدحسن نائینی را در دفاع از مشروطیت و تبیین نگاه نظریه و نظام فقهی سیاسی شیعه در دوران جدید مورد تأیید قرار داد - صدرا) و آخوند ملاحسینقلی همدانی هستیم و دیگری از طریق آخوند ملامحراب گیلانی که شرح آن خواهد آمد و یکی از قویترین جریان‌های عرفانی ایران را تأسیس نهادند. اگر بخواهیم بیدآبادی را با حکیم معاصر وی ملامحمد مهدی نراقی (م ۱۲۰۹ ق، استاد شیخ انصاری صاحب مفتاح السعادة در اخلاق اسلامی - سیاسی - صدرا) پدر ملا احمد نراقی (همشاگردی شیخ انصاری صاحب معراج السعاده در اخلاق اسلامی - سیاسی - صدرا) مقایسه کنیم، باید گفت گرایشات عرفانی در بیدآبادی بیسار از نراقی بود. به نظر می رسد جریان اصلی تفکر در ایران از طریق بیدآبادی و شاگردش ملاعلی نوری به نسل متأخر منتقل شده است. کمتر شخصیتی را در طول تاریخ حکمای الهی ایران می توان یافت که همانند آقا محمد بیدآبادی؛ شیخ المشایخ عرفا و حکمای متعدد باشد. اگر در تذکره القبور آورده که وی به علم کیمیا رسیده بود و طلایی که می ساخته در همین کیفیت بوده است. (گز. ۱۳۷۱: ۲۹) مؤلف گلشن مراد می گوید: «اکثر ایام صدم و بنای سخاوت به معماری دست همشان قایم بود.» (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۳۹) از شاگردانی که وی تربیت کرد، چندین مکتب عمده عرفانی و فلسفی را در تاریخ ایران معاصر شاهدیم که به جرأت باید گفت دوران طلایی عرفان و حکمت ایران زمین را شکل دادند. به لحاظ عرفانی مشرب آقا محمد بیدآبادی توسط سیدصدرالدین کاشف دزفولی (م ۱۲۵۸ هـ. ق) صاحب مصباح العارفین و از او به سیدمحمد رضا دزفولی (م نامعلوم) [پسر خواهر

مرحوم کاشف و والد محترم مرحوم سیدحسین ظهیرالاسلام [، سپس به سیدعلی شوشتری (م ۱۲۸۳ هـ. ق)، از او به ملاحسینقلی همدانی (م ۱۳۱۱ هـ. ق)، شیخ محمد بهاری همدانی (م ۱۳۲۵ هـ. ق) و سیداحمد طهرانی کربلایی (م ۱۳۳۲ هـ. ق) و سیدعلی آقا قاضی (م ۱۳۶۶ هـ. ق) (فضل، ۱۳۸۶: ۴۲) و علامه طباطبایی رسید. به همین جهت سیداحمد کربلایی گفته بود: «عَرَفَای حَقُّهُ نَجَف - اشرف علی ساکنها آلَافُ التَّحَف - سلسله خویش را با عارف بلاتعین مرجع ارباب یقین؛ آقا محمد بیدآبادی رست می گردانند.» (صدوقی سها، ۱۳۸۱: ۲۱۱) به لحاظ فلسفی نیز از طریق ملاحسین زری تداوم یافت که در فصل بعد به شاگردان آقا محمد بیدآبادی خواهیم پرداخت؛ اما آنکه در میان اسامی فوق مشهود است، جمع شدن فقاہت در کنار حکمت و طریقت است. این جهت می توان گفت مهمترین دستاورد دوره فترت، جایگزینی فقها به جای حکما و عرفا بود. فقهایی که تاکنون به معارف حکما و عرفا نیز مسلط شده بودند. از سویی به لحاظ تفکر سیاسی نیز نخستین جرقه های ولایت سیاسی فقها در قالب یک نظریه سیاسی منسجم در حال شکل گیری است. امکان طرح نظریه های سیاسی از سوی عالمان دینی پیش از هر - نیز مرتبط با توجیهی بود که آن ها برای تأیید سلطنت سلاطین ارائه می دادند و تفکیک رکن دینی و رکن قلمی را به جهت ناتوانی علما از به دست گرفتن سیاست مردان در آن زمان و ... بنا بر این بدیهی بود که با خاتمه یافتن عصر شاهان با کفایت در ایران، نظریه سلاطین و دین نیز با بحران مواجه می شد. در واقع علما با سقوط صفویان دریافتند که قدرت ملوک به سنی با حمایت علمای شیعی نیز نهایتاً زوالپذیر است و از سویی علما و مراجع تقلید با نفوذی وجود داشتند که میلیون ها انسان گوش به فرمان آنها بودند.